

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

لمبه

شبانہ های من (۶)

آه، اوف، که چقدر عاشق زیبایی ام.

زیبایی، روح را طراوت می بخشد و در ناامیدترین لحظات یادی از یک زیبایی چنان بر دلم چنگ می زند که می خواهم چشم هایم را برای ساعتی در زلال آن بشویم و در پاکیزگی اش شنا بزنم و آهسته آهسته در ساحلش اتراق نمایم و فریاد بزنم، لمبه، کفش هایم کجاست؟

به خیالم "پست مدرنیستی" شد، چطور آقایان و خانم های پست مدرنیست؟!!

آقایان و خانم های پست مدرنیست بگذارید در شبانه امشب در ریالیزم خود باشم. ورنه به نام پست مدرنیزم چیزی خواهم نوشت که نه شما بدانید، نه من و نه هم "ریالیست جادوگر" ما، که چه ها نوشته ام. ولی مطمئناً می دانم که به خاطر این ارشادات "پست مدرنیستی" شادباش و آفرین شما را در "کاخ بلند" با خود دارم و برای "یک پست مدرنیست" بیشتر از این چه خیر خوش شده می تواند که مثلاً جاوید فرهاد، سمیع حامد، پرتو نادری و خالد فروغ "فاصله ماصله" را کم کرده و عاجل یک، او را یکی از بهترین پست مدرنیست نویسان معاصر بدانند!! (تشکر!!)

خب، بر گردیم به ریالیزم خود ما.

هنوز نمی توانم مثالی به شما ارائه کنم که کسی از زیبایی ابراز نفرت کرده باشد و تا جاییکه خوانده ام و شنیده ام و دیده ام؛ همه، به شمول خودم، زیبایی را دوست داریم و به خاطر همین زیبایی به هنر عشق می ورزیم. اما آیا عشق ورزیدن ما به هنر تنها به خاطر زیبایی شکلی آن است یا زیبایی محتوایی آنرا هم در نظر داریم؟ فراوان دیده ایم که یک اثر ولو با زیبایی شکلی، نتوانسته است بر قلب ها بنشیند و جاودانه شود و مورد تحسین قرار بگیرد و فراوان دیده ایم که اثر هنری حتی با شکل نه چندان زیبا، نتوانسته است بر لب ها جاری شود و در مشت ها گره بخورد و چنان در انسان نفوذ کند که به سلاح مادی ضد شناخت و جنایت تبدیل شود. و چه بهتر اگر زیبایی فورم با زیبایی مضمون همراه شود و زیباترین اثر جاودانه هنری خلق شود و نگین زیبایی آن بر معراج تمام ژانرهای هنری بدرخشد.

در شبانه امشب با "زیبایی" و زشتی روبرو هستیم. با زیبایی روبرو هستیم که به گمان دلانان فرهنگی "گردش چشم سیاه" او را باید با مرحوم "قهار عاصی" خوش کرد و ابروهایش را با "امیرجان صبوری" در ماه شکسته آسمان

باید دید، مزگاناش را با "نصیر خارا" بر ستیزهای تاجکستان باید صدا زد، زلف هایش را با "فرهاد دریا" شانه باید کرد، گونه هایش را با "ناشناس" در ساغر شراب باید شست، لبخندش را با "وجیهه رستگار" به تماشا باید نشست، صدف دندان هایش را با "وحید قاسمی" تقسیم باید کرد و تمام وجود مرمرینش را با "رهنورد زریاب" در "گلنار و آینه" لمس باید کرد و بوت و جوراب او را در چورکان "ستاره افغان" با "گلزمان" و "سعد محسنی" به نشانی باید گرفت؛ ولی ...

ولی این زیبایی را باید در شبانه امشب لمبه نفرین کرد.



سخن از ملکه زیبایی انگلستان است. لینیسی کورپورل کارتینا ۲۲ ساله که در رسانه های غربی و به ویژه انگلیس سروصدا و هیاهویش گوش ها را کر می کند. این "ملکه زیبایی" را می توان یکی از جلادان جوان سیاست های استعماری انگلیس دانست که برای نوشیدن خون افغان ها ببقراری می کند. او که قبلا ماموریت کشتن و قتل عراقی ها را به خوبی و درستی انجام داده است، اینک می خواهد در خط اول علیه "طالبان" بجنگد!!

این خون آشام "زیبا" می گوید که بخاطر حضور در مسابقات سراسری ملکه زیبایی انگلستان تا ماه جولای سال آینده نمی تواند در جنگ افغانستان حضور پیدا کند ولی با تمام این، او قبل از همه سربازی است که به جنگیدن در خط اول عشق می ورزد و واضح است که در خط اول جنگ گلوله های تفنگ او نه بر سینه جنایتکاران طالبی می شنید و نه هم بر سینه تریاک سالاران. او باید بر قلب کودکان و مادران میهن من شلیک کند تا به عشقش برسد!!

این "ملکه زیبایی" به کشتن انسان ها عشق می ورزد و بار این جنایت چنان زشتی او را سنگین می کند که باید کینه و نفرت مان را بر زیبایی اش استفراغ کنیم.

تا یک شبانه دیگر.

یادداشت:

اگر اجازه می داشتیم بر چنین مشاطه گرانی اسمی از جانب خود بگذاریم، شاید بیجا نمی بود هرگاه وی را "زیبای نفرت انگیز" نام می گذاشتیم.

ویراستاران پورتال AA-AA